

## امکان سنجی فقهی گسترش پایه مالیاتی زکات

محمد اسماعیل توسلی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

ام کلثوم فیاضی

مدرس حوزه علمیه قم

### چکیده

انتخاب رأی فقهی می‌تواند اثر مهمی روی گسترش پایه مالیاتی زکات و افزایش اموال زکوی و در نتیجه رفع فقر و افزایش سرمایه اجتماعی و انسانی برای یک توسعه پایدار داشته باشد. آنچه که در عصر حاضر در کارآیی و بهره‌وری زکات از حیث فقهی مؤثر است، سعه وضیق در دو جهت اشخاص مشمول زکات و اموال مشمول زکات است. پژوهش حاضر با روش تحلیل فقهی، با فرض وجود چالش فقهی به‌عنوان عمده‌ترین مشکل عدم اجرای کامل زکات در ایران اسلامی، به امکان سنجی فقهی توسعه موارد وجوب و احیای موارد خارج شده از آن در جهت گسترش پایه مالیاتی زکات پرداخته است. مشهور فقهای شیعه زکات را در نه چیز منحصر می‌دانند در مقابل قول غیرمشهور قرار دارد که قائل به انحصار نیست. مانند یونس ابن‌عبدالرحمان که وجوب زکات در نه مورد را مربوط به آغاز نبوت می‌داند و قول ابن‌جنید که در غسل و روغن و تمام زمینهای عشریه واجب می‌داند و صدوقین که زکات مال التجاره را اضافه کرده‌اند. افزون بر این که با چالش خروج برخی اقلام زکوی مهم نه گانه به خاطر تغییر شرایط مواجهیم. این پژوهش ضمن تقویت قول عدم انحصار به احیای موارد خارج شده از جمله وجوب زکات پول و زکات احشام معلوفه که بخش مهمی از ثروت ملی را در حال حاضر تشکیل می‌دهند، می‌پردازد. این تحقیق در مسئله وجوب اخذ زکات از کافر ذمی و تأکید معنادار بر آن به دنبال هدف پیش گفته است.

**کلیدواژه‌ها:** زکات، زکات پول، زکات کافر

## مقدمه

انتخاب رأی فقهی می‌تواند اثر مهمی روی گسترش پایه مالیاتی زکات و افزایش اموال زکوی و در نتیجه رفع فقر و افزایش سرمایه اجتماعی و انسانی برای یک توسعه پایدار داشته باشد. آنچه که در عصر حاضر در کارآیی و بهره‌وری زکات از حیث فقهی مؤثر است، سعه و ضیق در دو جهت اشخاص مشمول زکات و اموال مشمول زکات است. پژوهش حاضر با فرض وجود چالش فقهی به‌عنوان عمده‌ترین مشکل عدم اجرای کامل زکات در ایران اسلامی، به امکان سنجی فقهی توسعه موارد وجوب و احیای موارد خارج شده از آن در جهت گسترش پایه مالیاتی زکات می‌پردازد. مشهور فقهای شیعه زکات را در نه چیز منحصر می‌دانند در مقابل قول غیرمشهور قرار دارد که قائل به انحصار نیست. مانند یونس ابن‌عبدالرحمان که وجوب زکات در نه مورد را مربوط به آغاز نبوت می‌داند و قول ابن‌جنید که در غسل و روغن و تمام زمین‌های عشریه واجب می‌داند و صدوقین که زکات مال التجاره را اضافه کرده‌اند. افزون بر این که با چالش خروج برخی اقلام زکوی مهم نه گانه به خاطر تغییر شرایط مواجهیم. این پژوهش درصدد است تا به بررسی اقوال انحصار و عدم انحصار و امکان سنجی هر آنچه که موجب گسترش پایه مالیاتی زکات و افزایش عایدات آن می‌شود، بپردازد. لذا ضمن تقویت قول عدم انحصار به احیای موارد خارج شده از جمله وجوب زکات پول و زکات احشام معلوفه که بخش مهمی از ثروت ملی را در حال حاضر تشکیل می‌دهند، می‌پردازد. این تحقیق در مسئله وجوب اخذ زکات از کافر ذمی و تأکید معنادار بر آن به دنبال هدف پیش گفته است.

## اموال مشمول زکات در فقه امامیه

با بررسی نظرات فقهای امامیه از متقدمین و متأخرین و معاصرین روشن می‌شود که اکثر فقهای امامیه خصوصاً متأخرین زکات را در نه چیز واجب دانسته و به‌طور صریح و بدون تردید بر آن فتوا داده‌اند، بعضی از این فقها بر آن ادعای اجماع کردند، مانند سید مرتضی در انتصار، راوندی در فقه القرآن، ابن زهره در غنیه،<sup>۱</sup> و شیخ طوسی در کتاب خلاف.<sup>۲</sup> اما تعداد اندکی از فقهای متقدم مانند ابن جنید اسکافی<sup>۳</sup> و قبل از آن

۱- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ ق ۱۹۹۰م)، سلسله‌الینابیع الفقیهیه- ج ۳- ص ۷۳- ص ۱۹۴ و ص ۲۳۷.

۲- در سلسله ینابیع الفقیهیه- المصدر السابق- ج ۴- مسائل ص ۲۳ الی ۶۱.

۳- علامه حلی- حسن بن مطهر اسدی- مختلف الشیعه فی احکام الشریعه- دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم- ۱۴۱۳ هـ ق- ج ۳- ص ۱۹۷.

یونس ابن عبد الرحمان<sup>۱</sup> و برخی از علمای معاصر قائل به وجوب زکات در غیراشیاء نه گانه هستند، برخی دیگر از آنها و نیز بعضی از فقهای معاصر به سبب ظهور دسته‌ای از روایات در ثبوت زکات در غیر نه چیز قائل به احتیاط شده‌اند مانند آیه الله سیستانی که زکات مال التجاره را بنا به احتیاط، لازم می‌داند.<sup>۲</sup>

بنابراین، در دیدگاه فقهای امامیه در مورد اموال مشمول زکات دو دیدگاه دیده می‌شود. دیدگاه مشهور که متعلقات زکات را منحصر در نه چیز می‌داند. در مقابل دیدگاه غیرمشهور که متعلقات زکات را بیش‌تر از نه مورد می‌داند.

#### دیدگاه مشهور: احصر زکات در موارد نه گانه

مشهور فقهای امامیه معتقدند که متعلقات زکات در نه چیز است که عبارتند از: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و گوسفند، طلا و نقره مسکوک (که بنا به نظر اکثر فقها معامله با آن رایج باشد) که می‌توان فقهای بزرگی مانند شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه ق)، شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ ه ق)، سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ ه ق)، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ه ق)، ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵ ه ق)، ابن ادریس (۵۴۸-۵۹۸ ه ق)، محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ ه ق)<sup>۳</sup> را نام برد. اکثر فقهای متأخر و معاصر هم این دیدگاه را دارند. برخی از آنها بر این انحصار ادعای اجماع کرده‌اند. در منتهی آمده، بین علماء اسلام اجماع بر آن است. تذکره گفته، بین مسلمین بر آن اجماع است و در غنیه آمده، اختلافی در زکات در نه چیز نیست، در مانند دروس آمده که بر آن اجماع است. اما بر این مطلب که زکات در ما عدای نه چیز واجب نیست، اجماع است در کتاب انتصار و ناصریه و خلاف و غنیه و منتهی و تذکره، ظاهر معتبر و دروس هم این مطلب را می‌رساند. نهایتاً الاحکام هم آن را به علماء آل محمد نسبت داده است.<sup>۴</sup>

شیخ صدوق در کتاب المقنع می‌گوید:

- 
- ۱- جعفری- شیخ محمد تقی- رسائل فقهی- موسسه منشورات کرامت- تهران - ص ۶۷.
  - ۲- آیت ... سیستانی- رساله توضیح المسائل مراجع- ج ۲- ذیل مسئله ۱۸۵۳.
  - ۳- در سلسله ینابیع الفقهیه- المصدر السابق- ج ۳- ص ۹- ۷۳، ۲۷، ج ۴، ص ۲۳، ج ۳، ص ۲۳۵، ۲۷۹، ۳۵۰.
  - ۴- العاملی- سید محمدجواد الحسینی- مفتاح الكرامه - المقصد الثانی فی المحل ص ۹۵- سلسله ینابیع الفقهیه موسوعه فقه الشیعه- الدار الاسلامیه- بیروت ۱۴۱۰ ه ق- ص ۹۵.

اعلم أن الزكاة على تسعة أشياء: على الحنطة و الشعير و التمر و الزيتون و الابل و البقر و الغنم و الذهب و الفضة، و عفا رسول الله (ص) عما سوى ذلك.<sup>۱</sup>  
بدان، زكات برنه چیز واجب است: بر گندم، جو، خرما، کشمش، شتر و گاو و گوسفند، طلا و نقره و رسول خدا (ص) غیر از اینها را عفو فرمودند.

شیخ مفید در المقنعه می‌گوید:

و الزكاة إنما تجب جميعها في تسعة أشياء خصّها رسول الله بفريضتها فيها و هي: الذهب و الفضة و الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و الابل و البقر و الغنم. و عفا رسول الله (ص) سوى ذلك.<sup>۲</sup>

همانا زكات جمعاً در نه چیز واجب شده که رسول الله (ص) آنها را به وجوب اختصاص داده است و آن عبارت است از: طلا و نقره و گندم و جو و کشمش و شتر و گاو و گوسفند و رسول الله (ص) از غیر اینها عفو فرمودند.

سید مرتضی در انتصار آورده:

و مما ظن انفراد الامامية به القول: بأن الزكاة لا تجب الا في تسعة أصناف: الدنا نیرو و الدراهم و الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و الابل و البقر و الغنم، و لا زكاة فيما عدا ذلك. و باقى الفقهاء يخالفونهم في ذلك... و الذى يدل على صحة مذهبنا مضافاً الى الاجماع أن الاصل براءة الذمة من الزكوات.<sup>۳</sup>

شیخ طوسی در کتاب نه‌ایه آورده:

الذى تجب فيه الزكاة فرضاً لازماً تسعة اشياء: الذهب و الفضة « اذا كانا مضرابين دنانیرو دراهم منقوشین... » و الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و الابل و البقر و الغنم. و كل ما عدا هذه التسعة أشياء فإنه لا تجب فيه الزكاة.<sup>۴</sup>

۱- الصدوق- ابی جعفر محمد بن بابویه قمی- المقنعه فی الفقه- سلسله الینابیع الفقهیه- همان- ج ۳ ص ۹.

۲- المفید، ابی عبدالله محمد بن النعمان الحارثی البغدادی- المقنعه فی الاصول و الفروع- سلسله الینابیع الفقهیه- المصدر السابق- ص ۲۷.

۳- المرتضی- علم الهدی ابی القاسم علی بن الحسین الموسوی- الانتصار- سلسله الینابیع الفقهیه- المصدر السابق- ص ۷۳.

۴- الطوسی- ابی جعفر- محمد بن حسن- النهایه- (۱۴۱۰ هـ ق)- فی سلسله الینابیع الفقهیه موسوعه فقه الشیعه- الدار الاسلامیه - بیروت- ج ۳- ص ۱۱۴.

آنچه زکات در آن واجب می‌شود به‌عنوان واجب حتمی نه چیز است: طلا و نقره - هنگامی که به صورت درهم و دینار مسکوک و منقوش هستند و گندم و جو و خرما و کشمش و گاو و شتر و گوسفند و درغیر این نه چیز [ در بقیه اموال ] زکات واجب نیست.

ابن زهره در غنیه می‌گوید:

زكاة الاموال تجب في تسعة أشياء: الذهب و الفضة و الخارج من الارض من الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و في الابل و البقر و الغنم بلا خلاف و لا تجب فيما عدا ما ذكرناه بدليل الاجماع الماضي ذكره في كل المسائل و لأن الأصل براءة الذمة.<sup>۱</sup>

زکات اموال در نه چیز واجب است، طلا و نقره و آنچه خارج می‌شود از زمین از گندم و جو و خرما و کشمش و درشتر و گاو و گوسفند، بدون اختلاف، و در ما عدا آنچه ذکر کردیم واجب نیست به دلیل اجماع و برای اینکه اصل برائت ذمه است.

ابن ادريس در سرائر آورده:

فاما الذى تجب فيه الزكاة فتسعة اشياء: الابل و البقر و الغنم و الدنا نير و الدرهم. و الحنطة و العلس... و الشعير و السلت... و التمر و الزبيب.<sup>۲</sup>

آنچه زکات در آن واجب است نه چیز است: شتر - گاو - گوسفند - طلا و نقره و گندم و علس<sup>۳</sup> (از جنس گندم)، جو و سلت<sup>۴</sup> (از جنس جو) و خرما و کشمش.

۱- ابن زهره - حمزه - (۱۴۱۰ ه ق) - غنية النزوع - في سلسلة الينابيع الفقهية موسوعة فقه الشيعة - الدار الاسلاميه - بيروت - ج ۳ - ص ۲۳۷.

۲- ابن ادريس - محمد بن ادريس الحلبي - (۱۴۱۰ ه ق) - السرائر - في سلسلة الينابيع الفقهية فقه الشيعة - الدار الاسلاميه - بيروت - ج ۳ ص ۲۷۹.

۳- علس: توضیح المسائل مراجع مسئله ۱۸۵۴: مثل گندم است و خوراک مردمان صنعا می باشد.

۴- سلت: توضیح المسائل مراجع مسئله ۱۸۵۴: دانه‌ای به نرمی گندم و خاصیت جو است؛ یک نوع جوی بدون پوست. اما نظرات فقها در مورد آن :

از کلمات فقهاء و لغویین روشن می‌شود که سلت نوعی از جو است و علس هم نوعی از گندم است و ظاهر بعضی کلمات می‌رساند که علس و سلت دو نوع مستقلند. و از جواهر و مصباح ظاهر می‌شود که وجوب و عدم وجوب زکات در آنها فرع بر مستقل بودن یا نبودن آنهاست پس زکات در آنها واجب می‌شود اگر دو نوع مستقل نباشد. و واجب نمی‌شود اگر که دو نوع مستقل باشند... در خلاف (مسأله ۷۶): سلت نوعی از جو است که رنگ گندم را دارد و طعم جو را و مثل آن سرد است پس اگر این چنین باشد منضم به جو می‌شود و حکم آن را دارد.

سایر فقهای امامیه که قائل به انحصار زکات در نه چیز هستند تقریباً بیانی شبیه به همین نمونه‌های ذکر شده دارند. در نهایت همه آنها معتقدند که متعلقات زکات واجب نه چیز می‌باشد.

و اما در مورد روایاتی که دلالت بر زکات غیر این موارد نه گانه دارند مثل زکات اقسام حبوبات- از ذرت- برنج- عدس و غیره و زکات مال التجاره و اسب‌های اناث که هم تعداد شان کم نیست و هم این که در کتب معتبر روایی آورده شده چه نظری دارند؟ آیا زکات آنها را مستحب می‌دانند یا روایات را حمل بر تقیه می‌کند و یا نظر دیگری دارند. در پاسخ باید گفت که در این بخش بین آنها اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از آنها مانند شیخ مفید در مقنعه<sup>۱</sup> و شاگردش شیخ طوسی در تهذیب و استبصار<sup>۲</sup> روایاتی که دال بر زکات در غیر نه مورد دارد را بر استحباب حمل کردند و گروه دیگر مانند سید مرتضی در انتصار<sup>۳</sup> و صاحب حدائق آن را حمل بر تقیه کرده‌اند. اگرچه در اثناء کلامش نظرش برگشت.

البته مشهور فقهاء غیر نه مورد را بر استحباب حمل کرده‌اند و بعضی از فقهای متأخر در این حمل تامل کرده و اخبار وارده را حمل بر تقیه کرده‌اند. اما در سبزیجات اختلافی بین فقها امامیه نیست. چنانچه بنا به گفته شیخ مفید در مقنعه اختلافی بین

در مختلف: «از شیخ آمده: علس نوعی از گندم است... و زکات در آنها واجب است و سلت نوعی از جو است زکات در آن واجب است، و اقرب این است که این دو نوع متغایرنند با گندم و جو پس زکات در آنها نیست»

در شرایع: [ علس و سلت از چیزهایی است که زکات در آن مستحب است. ]، منتظری، کتاب زکاة - ج اول - ص ۳۳۲ - ۳۳۰.

اما از فقهای کنونی حضرت ( امام - اراکی - گلپایگانی - خوئی - تبریزی - سیستانی - صافی - بهجت: زکات در علس به احتیاط واجب می‌دانند و در سلت قائل به عدم زکات هستند. رساله توضیح المسائل مراجع - مسأله ۱۸۵۴.

۱- شیخ مفید- ابی عبدالله محمد بن نعمان الحارثی- المقنعه فی الاصول و الفروع- سلسله الینابیع الفقهیه - همان- ص ۳۴.

۲- شیخ طوسی- ابوجعفر محمد بن حسن طوسی- استبصار- دار الکتب الاسلامیه- ۱۳۹۰ هـ ق- جزء الثانی ص ۱۱ و ۱۲...

۳- سید مرتضی- علم الهدی ابی القاسم علی بن الحسین الموسوی- الانتصار- سلسله الینابیع الفقهیه- همان- ج ۳- ص ۷۶.

آل رسول (ع) و بین شیعه آنها از اهل امامت نیست که سبزیجاتی مثل نیشکر و خربزه و خیارچنبر و خیار و بادمجان و ریحان و مانند آن زکات نیست مگر بفروشد و بر پولش یک سال بگذرد در حالی که به نصاب رسیده باشد.<sup>۱</sup>

### دلایل ذکرشده فقهای امامیه در حصر زکات

در منابع فقهی و کتب فقهای شیعه، غیر از اجماعی که ذکر شد، دلایل دیگری دیده می‌شود، از جمله سید مرتضی در بیان فلسفه حصر در زکات می‌گوید «آنچه که بر صحت مذهب ما افزون بر اجماع دلالت می‌کند این است که اصل برائت ذمه از زکوات است، و این بر می‌گردد به ادله شرعیه‌ای که در وجوب آن موارد زکات واجب داریم که همه فقهاء امامیه زکات در آن را واجب دانسته اختلافی هم در آن ندارند و در ماعدای آن موارد دلیل قاطعی بر وجوب زکات آنها نداریم. پس بر اصل باقی می‌ماند. اساس این اصل هم کلام خداوند متعال است که می‌فرماید: «و لا یسألکم اموالکم» (محمد/ ۳۶) «خداوند حقوقی را در اموالتان واجب نمی‌کند مگر بر وجه خاص.»

و ظاهر آیه از وجوب حق در اموال منع می‌کند و آن چیزهایی که از این اصل خارج شدند به خاطر وجود دلیل قاطع است و غیر از اینها تحت ظاهر باقی می‌مانند.<sup>۲</sup>

دیدگاه غیر مشهور: [تسری وجوب زکات به بیش‌تر از نه مورد]

در مقابل قول مشهور تعداد اندکی از فقهای امامیه قرار گرفته‌اند که متعلقات زکات را بیش‌تر از نه مورد می‌دانند. مانند قول یونس ابن عبد الرحمان که در تمام حبوبات زکات را واجب می‌داند. قول ابن جنید اسکافی که علاوه بر حبوبات در برخی موارد دیگر هم زکات را واجب می‌داند. قول برخی که فقط مال التجاره را به موارد نه گانه اضافه کرده‌اند. قولی که احتیاط به دادن زکات در غیر نه مورد را راه نجات دانسته و قولی که ملاک در تعیین متعلقات زکات را به حکم حاکم هر عصر و زمان می‌داند.

اما بررسی این نظرات

قول اول: یونس بن عبد الرحمان<sup>۱</sup>

۱- شیخ مفید- سلسله الینابیع الفقهیه - همان- ص ۳۴.

۲- المرتضی- علم الهی ابی القاسم علی بن الحسین الموسوی- الانتصار- سلسله الینابیع الفقهیه، موسوتمه فقه الشیعه- الدار الاسلامیه- بیروت، ۱۴۱۰ ه ق- ۱۹۹۰ م - ص ۷۳.

یونس معتقد است که انحصار زکات در نه مورد متعلق به ابتدای نبوت بوده است، بعد از آن زکات را در همه حیوانات قرار دادند، چنانکه کلینی در کافی روایتی از یونس بن عبدالرحمان از امام صادق (ع) آورده که فرمودند: رسول خدا(ص) زکات را در نه چیز وضع کرد، گندم و جو و خرما و کشمش و طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند، و از غیراینها عفو فرمودند. یونس می‌گوید معنی قول پیامبر در وجوب زکات در نه چیز و عفو در بقیه این است که این مسئله مربوط به اول نبوت پیامبر است همان‌طور که نماز در آغاز نبوت دو رکعت بود سپس رسول خدا هفت رکعت به آن اضافه کرد زکات را هم در آغاز نبوت در نه چیز واجب کرد و سپس آن را در همه حیوانات وضع کرد.<sup>۲</sup>

و نیز روایت دیگری در مورد وجوب زکات مال التجاره از ایشان نقل شده است.<sup>۳</sup> می‌توان گفت: که کلینی موافق قول یونس است، چنانکه صاحب جواهر بعد از نقل این روایت از کلینی می‌گوید: از ظاهر کلام کلینی بر می‌آید که با نظر یونس موافق است. و همین‌طور از ظاهر عبارات کلینی در کافی و این که روایت یونس را انتخاب کرده، و رسول خدا زکات در آنها وضع کرد- باب آنچه از حیوانات که زکات دارد. باب چیزهایی که از زمین می‌روید و زکاتش واجب نیست مثل سبزیجات و غیره.. می‌تواند دلالت بر این باشد که او متعلقات زکات را بیش‌تر از نه مورد می‌داند یعنی زکات حیوانات و همین‌طور اسب ماده و مال التجاره را ظاهراً واجب می‌داند.<sup>۴</sup>

- 
- ۱- یونس ابن عبد الرحمان یکی از عالی مقام ترین روات و فقهای امامیه بوده است او در زمان هشام بن عبدالملک متولد شد و از حضرت موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا (ع) روایت نقل نموده است. علی بن موسی الرضا(ع) در علم و فتوا مردم را به او ارجاع می‌داده است. از طرف علی بن موسی الرضا(ع) وکیل بوده است. شخصی به حضرت رضا(ع) عرض کرد دستم به شما نمی‌رسد امور دینی را از چه کسی بپرسم؟ فرمود: از یونس بن عبد الرحمن. (رجال نجاشی، ص ۴۴۶).
  - ۲- الکلینی- محمد بن یعقوب- الکافی- دار الکتب الاسلامیه- ۱۳۶۷/ بهار- ج ۳- ص ۵۰۹.
  - ۳- الحرالعاملی- محمدبن حسن- وسائل الشیعه- احیاء التراث العربی- بیروت- باب ۱۳ از ابواب ما تجب فیه و ما تستجب فیه - ص ۴۷- ح ۸.
  - ۴- منتظری - حسین علی - (۱۴۰۴ رمضان) - کتاب الزکاة - مکتب الاعلام الاسلامی - المجلد الاول - ص ۱۵۹.



## قول دوم: نظر ابن جنید اسکافی

ایشان زکات تمام حبوبات و زیتون و روغن زیتون و عسل زمین های عشریه را به موارد تسعه اضافه کرده است. اما شهید اول نظر ایشان را به جهت شاذ بودن رد می کند. صاحب جواهر به نقل از ابن الجنید (ره) می فرماید: *و كذا المحكى عن ابي الجنيد (رحمه الله) من آتته تؤخذ الزكاة في ارض العشر من كل ما دخل القفيز من حنطة و شعير و سمس و ارز و دخن و ذرة و عدس و سلت و سائر المحبوب و من التمر و الزبيب. و لذا نسبه في الدروس الى الشذوذ و هو كذلك كقوله بالوجوب في الزيت و الزيتون اذا كانا في الارض العشرية و في العسل الماخوذة من النصوص السابقة المعتضدة بالاصل و فتاوى الاصحاب بل المسألة من القطعیات التي لا ینبغی فیها الاطناب.*<sup>۱</sup>

از ابن جنید حکایت شده که از زمینهای عشریه که یک دهم محصول آنها به عنوان زکات گرفته می شود از هر نوع حبوباتی که معمولاً با پیمانانه وزن می شود زکات گرفته می شود از گندم و جو و کنجد و برنج و ارزن و ذرت و عدس و سلت و سایر حبوبات و از خرما و کشمش. .. و لذا شهید اول در کتاب دروس می فرماید، این نظر ابن جنید و همینطور نظر دیگرش مبنی بر وجوب زکات در زیتون و روغن زیتون و عسل اخذ شده از زمینهای عشریه نه خراجیه، نظری شاذ و نادر است. زیرا در روایاتی که گذشت زکات در غیر موارد نه گانه نفی شده است و آن روایات موافق با اصل و فتاوی اصحاب است. بلکه مسأله از مسائلی قطعی است که سزاوار نیست بحث در آن به درازا کشیده شود.

## قول سوم: قائلین به وجوب زکات مال التجاره

برخی از فقهای شیعه زکات در مال التجاره را واجب دانسته، از میان فقهای فعلی نیز بعضی زکات آن را بنا بر احتیاط لازم، واجب می دانند. گروهی مانند شهید در دروس و ابی العباس و صیمری و مقداد وجوب زکات مال التجاره را به شیخ صدوق و پدرش نسبت دادند. بعضی هم گفته اند از ظاهر عبارات شیخ صدوق بر می آید که قائل به وجوب زکات مال التجاره باشد. در بعضی از کتابها مانند خلاف - مبسوط - وسیله و سرائر این را به گروهی از اصحاب نسبت دادند و نیز حسن بن عیسی عمانی آورده:

۱- النجفی - محمد حسن - جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام - (بی تا) - دار احیاء التراث العربی -

شیعه در مورد زکات مال التجاره باهم اختلاف دارند گروهی آن را واجب می‌دانند و گروهی آن را واجب نمی‌دانند.<sup>۱</sup>

اما دلایل آنها بنا بر نقل صاحب جواهر<sup>۲</sup> صحیح ابن مسلم و خبر ابن ربیع شامی و سعید اعرج و کرخی و علاء - و ابی بصیر و موثق سماعه در باب ۱۳ از ابواب ما تجب فيه الزکاة و ما تستحب فيه) از وسائل الشیعه می‌باشد. اما با این همه استحباب اصح و اشهر است بلکه قول مشهور فقهاء است، بلکه همان‌طور که از ظاهر کلام غنیه بر می‌آید به خاطر اصالة عدم الوجوب و نصوصی که دلالت بر انحصار موارد نه گانه داشت و همین‌طور خبر اسحاق و ابن بکیر و خبر زراره که در باب ۱۴ از ابواب ما تجب فيه الزکاة و ما تستحب فيه - از وسائل آمده زکات مال التجاره واجب نیست بلکه بر استحباب و گروهی بر تقیه حمل کرده‌اند.

شیخ صدوق در کتاب المقنع<sup>۳</sup> در باب زکات مالی که در تجارت قرار گرفته آورده: اذا كان مالك في تجارة و طلب منك المتاع براس مالك و لم تبعه تبغی بذلك الفضل فعليك زكاته اذا حال عليه الحول فان لم يطلب منك المتاع براس مالك فليس عليك زكاته...

اگر مال در تجارت باشد و متاع را به قیمت خرید، از تو درخواست کند و نفروشی آن را به امید این که بالاتر برود (قیمت‌ش)، زکات آن مال بر تو واجب است، در صورتیکه اگر یک سال از آن بگذرد و اگر متاع را از تو به همان قیمتی که خریدی طلب نکند، زکات آن بر تو واجب نیست.

شیخ طوسی در مبسوط آورده: قال قوم منهم؛ تجب فيها الزکاة فی قیمتها تقوم بالدنانیر و الدراهم، و قال بعضهم: اذا باعه زکاة لسنة واحدة اذا طلب براس المال او بريح فأما إذا طلب بنقصان فلا خلاف بينهم أنه ليس فيه الزکاة.<sup>۴</sup>

گروهی از فقهای شیعه قائلند در قیمت مال التجاره زکات واجب است که بر حسب دینار و درهم قیمت‌گذاری می‌شود، بعضی هم گفته‌اند: اگر کسی مالش را به همان

۱- العاملی - سید محمد جواد الحسینی - مفتاح الكرامه - سلسلة الینابیع الفقہیہ - همان - ج ۴ - ص ۱۹۷.

۲- نجفی - محمد حسن - جواهر الکلام. .... (بی تا) - دار احیاء التراث العربی - ج ۵ - ص ۷۳.

۳- الصدوق - ابی جعفر محمد بن بابویه قمی - المقنع فی الفقه - سلسلة الینابیع الفقہیہ - همان - ج ۳ - ص ۱۳.

۴- الطوسی - ابی جعفر بن حسن - المبسوط - (۱۴۱۰/م) - سلسلة الینابیع الفقہیہ - همان - ج ۴ - ص ۱۶۳.

قیمتی که خریده بفروشد و یا بیش‌تر از قیمت خرید (با ملاحظه سود آن) و یک سال هم بر آن بگذرد، زکات آن مال را باید بدهد. اما اگر مال را به کم‌تر از قیمت خرید از او طلب کنند بدون اختلاف بین فقهای شیعه زکات در آن واجب نیست.

خلاصه اینکه مشهور فقهای شیعه زکات را در نه چیز منحصر می‌دانند در مقابل قول غیرمشهور قرار دارد که قائل به انحصار نیست. مانند یونس ابن‌عبدالرحمان که وجوب زکات در نه مورد مربوط به آغاز نبوت می‌داند و قول ابن‌جنید که در غسل و روغن و تمام زمین‌های عشریه واجب می‌داند و صدوقین که زکات مال التجاره را اضافه کرده‌اند. افزون بر این که با چالش خروج برخی اقلام زکوی مهم نه گانه به خاطر تغییر شرایط مواجهیم. زیرا، بنابر مشهور که قائل به انحصار است و با توجه به شرایط فقهی تعلق زکات، نقدین (پول طلا و نقره) به دلیل تغییر ماهیت به‌طور کل از اصل زکوی بودن خارج شده است و انعام سائمه ثلاثه‌ای که دارای شرایط خاص و عام زکات باشد در جوامع امروزی به جهت شرایط خاص زندگی مردم به ندرت یافت می‌شود، اکثراً معلوفه است. کشت دیمی غلات اربعه هم در تمام نقاط دنیا معمول نیست. بلکه به خاطر نبود شرایط آب و هوایی لازم، زمین‌های زراعی غلات اربعه الان بیش‌تر به نحو کشت آبی برداشت می‌شوند که طبیعتاً زکات آن یک بیستم می‌باشد. از این رو و با توجه به آن که اقلام باقی مانده به هیچ وجه کفاف رفع فقر را نمی‌کند لازم است در شرایط فقهی و چگونگی برگشت این اقلام بحث جدی شود.

### حکم وجوب زکات پول‌های کاغذی و الکترونیکی

با توجه به این که بخش عظیمی از ثروتها و اموال موجود در دست مردم پول است آیا می‌توان از ظاهر برخی روایات برای اثبات زکات در پول امروزی استفاده کرد؟ با نگاه به روایاتی که در زکات نقدین وارد شده، می‌بینیم، در تعداد زیادی از آنها از لفظ طلا و نقره، یا درهم و دینار استفاده شده مانند روایاتی که در وجوب زکات در نه چیز از پیامبر(ص) و ائمه (علیهم‌السلام) نقل شده که تصریح در طلا و نقره بودن دارد. در دسته‌ای دیگر از آنها، که در مورد فروش مال و دریافت ثمن و قیمت در ازای آن می‌باشد، از واژه‌ی ثمن استفاده شده که مراد همان طلا و نقره است.

اما قائلانی (۱۳۸۵، ۵۹) عقیده دیگری دارد. وی می‌گوید: «احادیثی که در مورد فروش مال و دریافت ثمن و قیمت در ازای آن می‌باشد، بر وجوب زکات در هر آنچه

به‌عنوان «قیمت» محسوب می‌شود، دلالت دارد و متعارف بودن یا منحصر بودن آن در مصداقی خاص در زمانی و مکانی خاص بر اختصاص این احادیث به آن مصداق خاص دلالت ندارد. ادعای انصراف آن به خصوص درهم و دینار نیز برخلاف اصل است و وجهی ندارد. چنین ادعایی مانند اختصاص احادیث مربوط به شکسته شدن نماز مسافر به خصوص سفرهایی است که با وسائل ابتدایی عصر صدور روایات مانند اسب و شتر انجام می‌گیرد و گمان نمی‌کنم کسی به آن ملتزم و معتقد باشد.

آنچه از ظاهر روایات برمی‌آید این است که مراد از ثمن طلا و نقره است. نمی‌شود گفت که قیمت و ثمن در این دسته روایات یک عنوانی است که در آن زمان طلا و نقره بوده الان پول می‌باشد. به عبارت دیگر، اثبات زکات در پول امروزی را نمی‌کند تنها همین قدر که زکات پول را نفی نمی‌کند. پس برای اثبات زکات پول نیاز به دلیل دیگری داریم.

توسلی<sup>۱</sup> در مقاله «امکان سنجی فقهی احیای زکات پولهای نقد رایج کنونی(با رهیافت تحلیل ماهیت پول)» بر اساس مبانی فقهی و موضوع شناسی تحلیلی ماهیت پول و با بهره‌گیری از اصل استصحاب در صدد امکان سنجی فقهی زکات پولهای کنونی و احیای آن برآمده تا بدین وسیله عایدات زکوی را در جهت کمک مؤثر به رفع فقر که هدف تشریح زکات است، افزایش دهد. این پژوهش نشان داده است، حکم وجوب زکات نقدین به پولهای اعتباری کاغذی و الکترونیکی کنونی براساس موضوع شناسی تحلیلی وی با عنوان «نظریه مال اعتباری» در ماهیت پول و با استصحاب آن حکم قابل تسری است.

وی با تحلیل تاریخی پول نشان داده است که می‌توان منشأ رویش همه پول‌ها را با یک تحلیل جامع و یکسان توضیح داد. بر اساس این تحلیل «پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می‌گیرد، هر یک دارای مراتبی از قرارداد و اعتبار است». تنها باید مفاد اعتبار و قرارداد را تحلیل کرد و دید اجتماع یا دولت چگونه و چه مالی را در هر دوره پول اعتبار کرده است. آیا این مال عین خارجی است یا دین است یا منفعت واقعی و یا حق و یا یکی از اینها است به اعتبار یعنی عین اعتباری یا

۱- توسلی، محمداسماعیل، (۱۳۹۴)، امکان سنجی فقهی احیای زکات پول‌های نقد رایج کنونی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه مالیات، شماره ۷۴، تابستان ۹۴، صص ۲۷-۴۹

دین اعتباری یا منفعت اعتباری و یا حق اعتباری. اعتباری بودن واحد سنجش ارزش و تعیین مقدار ارزش آن روشن است چون با تعریف و اعتبار قانون شکل می‌گیرد. اما اعتباری بودن واسطه مبادله قدری تحلیل و دقت نظر می‌خواهد. در همان نظام پول کالایی هم این که کدام کالا پول باشد را نیز اجتماع تعیین می‌کرد و این خود یک نحوه اعتبار است گرچه واسطه مبادله ماهیتش عین فیزیکی بود. بر اساس «نظریه مال اعتباری» توسل پول‌های کنونی همه مراتبش قراردادی است و با جعل و اعتبار پدید آمده است. ماهیت این پول اعتباری است و عبارت از مالی است که عین اعتباری طلا است. به عبارت دیگر قانون یک مال جدید اعتبار و خلق کرده است که ماهیت فیزیکی ندارد. واسطه مبادله یا پول در گردش دیگر طلای مسکوک نیست بلکه طلای مکتوب یا سکه مکتوب و به عبارت دیگر همان ریال، دلار و پوند مکتوب روی اسکناس یا ثبت شده در حساب جاری یا ذخیره شده به صورت الکترونیکی پول در گردش است. یعنی ریال طلای مکتوب و ریال طلای دیجیتال پول در گردش است. در این نظریه اتحاد دو قضیه متیقنه و مشکوکه که از لوازم استصحاب حکم است، قابل تصویر است. قضیه متیقنه وجوب زکات ریال طلای فیزیکی است. موضوع این قضیه ریال طلا است. قضیه مشکوکه وجوب زکات ریال طلای اعتباری است. موضوع قضیه در اینجا نیز ریال طلا است. شک در حکم به خاطر فیزیکی بودن فرد اول ریال طلا و اعتباری بودن فرد دوم ریال طلا به وجود آمده است. ریال طلا افراد متعدد دارد. یک فردش همان ریال طلای فیزیکی است که حکم در هنگام صدور بر این فرد موجود وارد شده است. دو فرد دیگر ریال طلا یکی ریال طلای مکتوب (اسکناس) است و فرد دیگر آن ریال طلای دیجیتال<sup>۱</sup> است که به سکه دیجیتال هم نامیده می‌شود و به این نام مشهور است. در نزد عرف همه اینها یکسان هستند و همان ارزش را دارند و همان کار را انجام می‌دهند. زیرا اگر یکسان نبودند مورد پذیرش عرف قرار نمی‌گرفتند. بنا بر این حکم وجوب زکات نقدین به پولهای اعتباری کاغذی و الکترونیکی کنونی براساس موضوع شناسی تحلیلی نظریه مال اعتباری در ماهیت پول و با استصحاب آن حکم قابل تسری است.

۱- نام دیگر آن می‌تواند ریال طلای الکترونیکی (یا همان پول الکترونیکی) باشد.

### وجوب زکات احشام سائمه و معلوفه

با تأملی در نه مورد سنتی اموال زکوی می‌بینیم که امروزه نقدینی وجود ندارد. پول‌های کاغذی جای آنها را گرفته و به عبارت دیگر ماهیتش کاملاً تغییر یافته است. لذا، عملاً از دایره اموال زکوی خارج شده است. در غلات اربعه هم که بیش‌ترین مقدار زکات در این دسته، از غلاتی است که به طریق دیمی آبیاری می‌شوند یعنی عُشر (یک‌دهم) در مقابل غلاتی که کشت آبی دارند که زکاتشان نصف‌العشر است (یعنی یک‌بیستم).

امروزه به لحاظ شرایط خاص زندگی و روش‌های جدید در امر کشاورزی، زراعت بیش‌تر به روش کشت آبی صورت می‌گیرد لذا عایدات زکات بیش‌تر انصراف به نصف‌العشر دارد که این هم تأثیر منفی در عایدات زکات دارد. می‌ماند انعام ثلاثه که البته اینها هم با حصول شرایطی مثل سائمه بودن و عامله نبودن و در ملکیت مالک بودن در طول سال و البته به حد نصاب رسیدن - زکاتشان واجب می‌شود.

با توجه به اینکه امروزه به مقتضای شرایط و کیفیت زندگی انسان‌ها روش نگهداری حیوانات فرق کرده، اکثر حیوانات معلوفه‌اند نه سائمه. درصد بسیار کمی در بعضی مناطق به چراگاه فرستاده می‌شوند. نهایتاً روشن می‌شود به جهت دلایل ذکر شده عایدات زکات نمی‌تواند کمک مؤثر در رفع فقر باشد.

حال ببینیم سائمه بودن که به‌عنوان وصف احشام ثلاثه ذکر شده اولاً به چه معناست؟ ثانیاً آیا شرط است در طول سال سائمه باشند یا اگر در بعضی ایام از سال هم باشد کفایت می‌کند و نظرات فقها درباره این شرطها چیست؟ آیا می‌توان به گونه‌ای از وصف سائمه بودن دست برداشت؟

احشام ثلاثه به چهار شرط زکاتش واجب می‌شود یکی از این شرایط سائمه بودن در طول سال است. سوم در لغت به معنای چریدن است و در اصطلاح فقهاء از علف بیابان چریدن است. شتر سائمه به شتری گفته می‌شود که می‌چرد و در آغل علف نمی‌خورد.<sup>۱</sup> چنانچه فقهاء آورده‌اند هر یک از حیواناتی که از افراد نصاب حساب می‌شوند اگر در چراگاه طبیعی تغذیه کنند نه اینکه به آنها علف چیده شده داده شود سائمه می‌گویند. اگر به او معلوفه بگویند زکاتش واجب نیست به دلایل اجماع و نصوصی که

۱. قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۳، ص ۳۵۶.

وارد شده<sup>۱</sup> مثل روایت زراره از امام صادق علیه‌السلام: *لیس علی ما یعلف شیء انما الصدقه علی السائمه المرسله فی مرجها - آی مرعها - عامها الذی یقتنیها فیہ الرجل، فأما ما سوی ذلک فلیس فیہ شیء ابر حیوانی که علف داده می‌شود زکات واجب نیست همانا زکات بر حیوانی است که برای چریدن به چراگاه فرستاده می‌شود در طول سال آبهایی که شخص برای خودش برمی‌دارد. اما آنچه غیر از این باشد در آن زکات نیست*.<sup>۲</sup>

علاوه بر سائمه بودن حیوان کاری نباشد. یعنی اگر حیوان در سال برای سواری یا کشت و کار کشاورزی یا برای حمل بار استفاده شود زکاتش ساقط می‌شود و به اجماع و نص به دلیل قول امام علیه‌السلام «*لیس علی العوامل شیء*» اما روایاتی که مخالف این روایات باشد شاذ و متروک است. پس اگر برای کار باشد یا علف در بعضی ماهها یا هفته‌ها به او داده شود طوری که سائمه گفته نشود، زکاتش منتفی می‌شود.<sup>۳</sup> و هر گاه سائمه باشد ولی از او کار کشیده شود یا برای باربری از او استفاده شود زکاة ندارد، چون عامله است. اگر معلوفه باشد اما برای شیر و نسل نگه داشته شود و از او کار کشیده نشود زکات ندارد، چون سائمه نیست.

اما این که سائمه بودن یا معلوفه نبودن حیوان در تمام طول سال شرط است یا خیر، اختلافی است. گروهی آن را در تمام طول سال شرط می‌دانند. گروهی هم خارج نشدن حیوان از اسم سائمه بودن را ملاک گرفته‌اند، مثل شیخ طوسی در خلاف و مبسوط<sup>۴</sup>، مرحوم میلانی در کتاب محاضرات در خلاصه شرایط انعام گفته، مراد از سائمه بودن حیوان، سائمه بودنش به حسب عادت است، پس اگر در بعضی از روزهای ماه برخلاف عادت معلوفه باشد ضرری به‌عنوان سائمه بودن او زده نمی‌شود و کماکان سائمه نامیده می‌شود<sup>۵</sup> هرچند این قول مقداری تخفیف در شرط حاصل می‌کند اما مشکل مطرح شده در سائمه بودن را برطرف نمی‌کند. چون این قول هم سائمه بودن را شرط

۲. محمدجواد، مغنیه، فقه‌الامام الصادق(ع)، مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ هـ.ق، ج ۲، ص ۶۵.

۳. الحرالعاملی، محمدبن حسن، وسائل‌الشیعه، همان، باب ۷ از ابواب زکات انعام، ح ۳.

۴. فقه‌الامام الصادق(ع)، همان، ص ۶۶.

۱. الطوسی، ابی‌جعفر محمدبن حسن، المبسوط، فی سلسله البنا بایع الفقهیه، همان، ج ۴، ص ۱۴۰.

۲. میلانی، سید محمدهادی بن جعفر حسینی، محاضرات فی الفقه الامامیه، مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه

فردوسی، مشهد، ۱۳۹۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۱۳۴.

می‌داند اما مدت آن تمام سال باشد یا کم‌تر از یک سال کامل مثلاً شش ماه معلوفه و شش ماه سائمه باشد در کم‌تر یا بیش‌تر مباحثی مطرح است.

### آیا می‌توان از وصف سائمه بودن دست برداشت یا نه؟

همه فقهاء مذاهب خمسسه شرط سائمه بودن را قائلند الا مالک که هم در سائمه و هم معلوفه زکات را واجب می‌داند و بر آن ادعای اجماع کرده‌اند. با الفاظ و عبارات مختلف این اجماع از آنها فهمیده می‌شود. مثل، علامه در تذکره آورد، بنابر اجماع سوم در حیوانات شرط است.<sup>۱</sup> دلیل آن هم نص است مثل نصوص صحیح فضاء از امام صادق (ع) در روایت زکات شتر «لیس علی العوامل شیء انما لک علی السائمه الراعیه» و در زکات گاو: «ولا علی العوامل شیء و انما الصدقه علی السائمه الراعیه» است که فرمودند شتر و گاو که برای کار باشد زکات ندارد بلکه زکات بر حیوانی است که از علف بیابان و چراگاه می‌خورد.

از میان فقهاء احدی نبوده که سائمه بودن را شرط نداند.

خلاصه این که، یکی از شرایط تعلق زکات به احشام سائمه بودن است. در اصطلاح فقهاء حیوان سائمه به حیوانی گفته می‌شود که از علف بیابان بچرد و در آغل علف نخورد. به فتوای همه فقهای شیعه حیوان سائمه در صورتی که عامله نباشد زکاتش واجب است. اما این که تمام طول سال سائمه باشد یا به اغلب اکتفا شود اختلافی است. وصف سائمه برای حیوان شرطی است که به دلیل اجماع فقهای شیعه و نیز به دلیل نصوص فراوانی که در این زمینه وجود دارد و مضافاً به اینکه احدی دیده نشد که سائمه بودن را شرط نداند، نمی‌توان به طریقی از وصف سائمه بودن دست برداشت.

### وجوب اخذ زکات از کافر ذمی

فقهای همه مذاهب پنجگانه بر وجوب زکات در افراد مسلمان که عاقل و بالغ هم هستند اتفاق نظر دارند اما اگر فاقد یک شرط یا دو شرط باشند در آن اختلاف نظر هست. چنان که فقهای امامیه در این مسأله دو دسته‌اند. قدمای از امامیه مانند شیخ مفید(ره) و شیخ طوسی (ره) قائل به این هستند که در غلات چهارگانه و احشام سه‌گانه طفل و مجنون زکات واجب است و در نقدین طلا و نقره این دو واجب نیست مگر در صورتی که با آنها تجارت شود. در این صورت شیخ مفید(ره) حکم به وجوب داده است و

۳. العاملی، سید محمدجواد حسینی، مفتاح الکرامه، سلسله الینابیع الفقهیة، همان، ج ۴، ص ۶۰.

۴. الحر العاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، همان، باب ۷ از ابواب زکات انعام، ح ۱ و ۲.



شیخ طوسی (ره) استحباب اخراج زکات را قائل شده است. رأی محقق حلی (ره) مانند رأی شیخ طوسی (ره)<sup>۱</sup> است. دسته دوم یعنی فقهای متأخر و معاصر امامیه می‌گویند در وجوب زکات، بلوغ و عقل شرط است، پس در مال طفل و مجنون زکات واجب نیست.<sup>۲</sup>

اما در مورد کفار مشهور در بین قدماء و متأخرین از امامیه این است که آنها مکلف به فروع هستند همان‌طور که به اصول مکلفند. و معاصرین از فقهای امامیه نیز بر همین عقیده‌اند.<sup>۳</sup> با توجه به اینکه هدف در این تحقیق بررسی و موارد زکات و تعمیم متعلقات آن برای تحقق علت اصلی وجوب زکات که همان تأمین زندگی و معاش فقرا و نیازمندان است، لذا در همین راستا دیدگاه فقها در مورد افرادی که اموالشان مشمول زکات واجب می‌شود بررسی می‌شود. در مذهب امامیه اگرچه به اموال طفل و مجنون زکات واجب تعلق نمی‌گیرد اما با مشمول زکات شدن اموال غیرمسلمان بالغ عاقل در بلاد اسلامی با توجه به این که امروزه بخش وسیع و قابل توجهی از اموال زکوی در دست این اقلیت غیرمسلمان است در صورت وجوب اخذ زکات از اموال آنها عایدات زکات به‌طور محسوسی افزایش پیدا می‌کند. برای پاسخ به این مطلب ابتدا سوالاتی در مورد مسئله زکات کافر مطرح می‌شود. سپس نظرات فقهاء در آن بررسی می‌شود.

سؤال اول: آیا کافر مکلف به فروع است؟

سؤال دوم: آیا در حال کفر عمل آنها به فروع صحیح می‌باشد؟ اگر صحیح نیست

پس چرا امر به پرداخت زکات می‌شوند؟

سؤال سوم: آیا امام یا نائب امام می‌تواند زکات را به اجبار از کافر اخذ کند؟

سؤال چهارم: اگر کافر زکات را تلف کند آیا ضامن است؟

سؤال پنجم: اگر کافر مسلمان شود آیا زکات زمان کفرش را باید بپردازد؟

۱. المفید، المقنعه، ص ۲۳۹، و الشیخ الطوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۲۳۴، و المحقق الحلی، المختصر، ص ۵۲۰.

۲. الشهید اول، الدروس، ج ۱، ص ۲۲۹، و الشهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۱۰ و النجفی جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۱۵، و الهمدانی، مصباح الفقهیه، ج ۳، ص ۲ و الطباطبائی الیزدی، العروة الوثقی، ج ۴، ص ۵ و ۷، و السید الخوئی، الزکاة، ص ۱۰ و ۲۰ و الخمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱۱ و ۳۱۲ و البهجت، توضیح المسائل (عربی)، ص ۳۴۳.

۳. الطباطبائی الیزدی، العروة الوثقی (محشی)، ج ۴، ص ۲۶.

پاسخ سوال اول: آیا کافر مکلف به فروع است؟

در عروه الوثقی آمده بر کافر واجب است زکات پرداخت کند.<sup>۱</sup> دلیل آن بنا به قول مشهور معروف از فقهای شیعه این است که کفار مکلف به فروعند همان‌طور که مکلف به اصولند بلکه در آن ادعای اجماع شده.<sup>۲</sup> مقتضای آن هم عموم ادله تکلیف و خصوص آیه ۷ و ۶ فصلت از قوله تعالی: «ویل للمشرکین الذین لا یؤتون الزکاة...» و آیه ۴۳ و ۴۴ سوره مدثر از قوله تعالی، «لم نک من المصلین و لم نک نطعم المسکین...». و در روایت هم آمده که پیامبر اسلام(ص) در خیبر زکات از یهودیان خیبر اخذ کردند.<sup>۳</sup> بر این اساس امام خمینی(ره)، زکات بر کافر را واجب می‌داند.<sup>۴</sup> قول غیرمشهور در این مسأله قول مرحوم خوئی است. وی می‌گوید، در وجوب زکات بر کافر اشکال است بلکه اظهر عدم وجوب است.<sup>۵</sup>

آیا در حال کفر عمل آنها به فروع صحیح می‌باشد؟ اگر صحیح نیست پس چرا امر به پرداخت زکات می‌شوند؟ بنابر اجماع بین فقهاء شیعه زکات از کافر صحیح نمی‌باشد چنان‌که مفتاح الکرامه آورده،<sup>۶</sup> زکات از کافر صحیح نمی‌باشد و اصحاب ما بر این مطلب قطع دارند بدون اینکه مخالفی در آن باشد و بدون اینکه کسی در آن تأمل کرده باشد.

**اگر زکاتش صحیح نمی‌باشد پس چرا امر به پرداخت زکات می‌شود؟**

بر این مطلب: «بر کافر زکات واجب است اما اگر ادا کند صحیح نمی‌باشد» اشکال وارد می‌شود زیرا اگر مقصود وجوب پرداخت در حال کفر باشد پس تکلیف به چیزی است که صحیح نیست و اگر مقصود پس از اسلام باشد منافات با این مبنا دارد که اسلام تکالیف ما قبل را می‌پوشاند (الاسلام یجب ما قبله).

۱. الطباطبایی الیزدی، السید محمدکاظم، (۱۴۲۴ / هـ.ق)، العروه الوثقی: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۴، الزکاة، مسأله ۱۶، ص ۲۶.

۲. العاملی، سید محمدجواد الحسینی، مفتاح الکرامه (۱۴۱۰)، فی سلسله الینابیع الفقهیة، همان، ص ۵۲.

۳. الطباطبایی حکیم، سیدمحسن، (۱۳۹۰ هـ) مستمسک عروه الوثقی، دار احیاء التراث العربی، الجزء التاسع، کتاب الزکاة، ص ۴۷، پاورقی شماره ۱۰.

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، جلد ۲، القول فی من تجب علیه الزکاة، سادسها، مسأله ۱۰.

۵. الطباطبائی الیزدی، السید محمدکاظم، العروه الوثقی (محتشی)، (۱۴۲۳ / هـ.ق)، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۴، الزکاة، مسأله ۱۶، حاشیه شماره ۱، ص ۶.

۶. العاملی، سید محمدجواد الحسینی، مفتاح الکرامه، سلسله الینابیع الفقهیة، همان، ج ۴، ص ۵۳.

پاسخ اشکال: اولاً این اشکال بر وجوب وضعی زکات در مال وارد نمی‌شود. زیرا به معنی تعلق زکات به مال است، مانند تعلق زکات به مال مسلم. و اما وجوب تکلیفی زکات مقصود از آن وجود مناط وجوب است گرچه توجه وجوب فعلی به سوی کافر ممتنع است زیرا هنوز اسلام نیاورده، از این رو قدرت بر امتثال ندارد پس مقصود از این وجوب در مقابل انتفاء بالکل وجوب است نه وجوب فعلی.<sup>۱</sup>

بنابر قول غیرمشهور آل یاسین، وجوب زکات بر کافر و عدم صحت زکات از طرف او در حالت کفر در غایت اشکال است.<sup>۲</sup>

آیا امام یا نائب او می‌تواند زکات را به اجبار از کافر بگیرد؟  
بنابر مشهور معروف، امام و نائیش می‌توانند زکات را به اجبار از کافر بگیرند کما این که صاحب مسالک آورده،<sup>۳</sup> اگر امام یا کسی که زکات را جمع‌آوری می‌کند اگر اراده کند می‌تواند زکات را از کافر به اجبار بگیرد و اما اگر مال تلف شود اگرچه کافر تفریط کرده باشد ضامن نیست.

صاحب عروة<sup>۴</sup> و همین طور حضرت امام<sup>۵</sup> همان نظر مشهور را دارند.  
اما سوالی مطرح می‌شود که وقتی زکاتی که کافر می‌پردازد از او صحیح واقع نمی‌شود چه‌طور امام یا نائیش می‌توانند به اجبار از او زکات بگیرند؟ آیا از طرف او نائب هستند؟

زکات دو حیثیت دارد حیثیت عبادی و حیثیت حق الناس (یک جنبه‌اش عبادی است و یک جنبه‌اش حق الناس) و حاکم شرعی به دلیل ولایتی که بر فقرا دارد بر عهده‌ی اوست که اموال آنها و حقوقشان را به‌دست آورد. مجرد صحیح نبودن پرداخت زکات از کافر و عدم تقرب آنها (به خدا) سبب نمی‌شود که نتوانند حق الناس را از اموال آنها به‌دست آورند. همان طور که شخص مسلمان اگر از پرداخت زکات امتناع کرد،

۱. الطباطبائی الحکیم، سیدمحسن، مستمسک العروة الوثقی، احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۰ / هـ ج ۹، ص ۴۸.

۵. الطباطبائی الیزدی، السید محمدکاظم، العروة الوثقی (محشی)، همان، الزکاة، مسأله ۱۶، ص ۲۶.  
۶. شهیدثانی، زین‌الدین علی‌بن احمد عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ / هـ ق، قم، ج ۱، ص ۳۶۳.

۷. الطباطبائی الیزدی، السید محمدکاظم، العروة الوثقی (محشی)، همان.

۸. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، همان.

حاکم در تعیین و گرفتن زکات بر او ولایت دارد که به اجبار از او زکات دریافت می‌کند نه این که در این عمل عبادی از طرف او نائب باشد.<sup>۱</sup>

**آیا از کافر ذمی می‌توان زکات گرفت؟**

روشن است ظاهر حکم در مورد کافر اصلی است. اما در کافر ذمی که در ذمه حکومت اسلام است آیا می‌توان از او زکات گرفت. با توجه به این که اگر ذمی باشد بر آنها شرط نمی‌شود که زکات بدهند. پس، اگر بخواهیم الزامشان کنیم به دادن زکات یا به اجبار از آنها بگیریم این با مقتضای قرارداد و امضاء بر همان عدم مزاحمت بر آنها در چیزهایی که به واسطه سبب یا نسب یا معامله مالک می‌شوند مثل پول خمر و خوک منافات دارد. مرحوم کاشف الغطاء پاسخ دادند که عدم مزاحمت آنها در مورد حق و جایی است که حق غیر نباشد پس اگر غضب مال مسلمان یا غیر آن نزد آنها حلال باشد، آیا کار آنها را اسلام تأیید می‌کند؟ دلیل دیگر اینکه کفار مکلف به فرع دینند همان‌طور که مکلف به اصولند این قاعده تخصیص نخورده پس شامل کافر ذمی هم می‌شود.<sup>۲</sup>

#### **سوال ۴: اگر کافر زکات را تلف کند ضامن می‌باشد؟**

عروة الوثقی: اگر کافر زکات را تلف کند پس امام یا نائیش می‌تواند عوض آن را از او دریافت کند.<sup>۳</sup>

به دلیل قاعده ضمان به خاطر تلف کردن، لذا اجباراً از او گرفته می‌شود. اما شیخین و فاضلین و شهیدین قائل به عدم ضمانند بلکه جماعتی قول به عدم ضمان را مشهور دانسته‌اند اما دلیلشان روشن نیست.<sup>۴</sup>

امام خمینی در تحریر الوسیله آورده: اگر عین زکات را تلف کند یا در دست او تلف شده باشد بنابر اقوی می‌تواند عوض آن را از او بگیرد.<sup>۱</sup>

۱. منتظری، حسینعلی - کتاب الزکاة، المجلد الاول، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، رمضان ۱۴۰۴، ص ۱۳۱.

۳. الطباطبائی الیزدی، السید محمدکاظم (۱۴۲۴ هـ.ق)، العروة الوثقی (محشی)، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۴، حاشیه مسأله ۱۶، ص ۲۶، حاشیه ۴، (کاشف الغطاء).

۴. الطباطبائی الیزدی، السید محمدکاظم (۱۴۲۴ هـ.ق)، العروة الوثقی (محشی)، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۴، مسأله ۱۶، ص ۲۶.

**سوال ۵: اگر کافر مسلمان شود آیا زکات زمان کفرش را باید بپردازد؟**

عروه الوثقی آورده، اگر کافر مسلمان شود بعد از این که زکات بر او واجب شده زکات ساقط می‌شود. اگرچه عین موجود باشد چون اسلام ماقبلش را می‌پوشاند.<sup>۲</sup> امام خمینی آورده: اگر بعد از واجب شدن زکات، اسلام بیاورد از او ساقط می‌شود اگرچه عین موجود باشد - البته دارای اشکال است - و این در وقتی است که بعد از تمام شدن سال اسلام بیاورد و اما اگر پیش از تمام شدن سال مسلمان شود اگرچه یک لحظه قبل از آن باشد ظاهراً زکات بر او واجب است.<sup>۳</sup>

«بروجدی - خوانساری: سقوط زکات با بقاء عین محل تأمل است.

آل یاسین: با بقاء عین بنابر احتیاط زکات خارج شود.

گلیپایگانی: سقوط زکات با بقاء عین محل تأمل بلکه منع است».<sup>۴</sup>

چگونه کافر زمانی که مسلمان می‌شود موظف به پرداخت زکات در زمان کفرش می‌باشد در حالیکه الاسلام یجب ما قبله؟ الاسلام یجب ما قبله اختصاص به تکالیف دارد و شامل حقوق نمی‌شود پس زکات که یک حق مالی است با اسلام آوردن پوشیده نمی‌شود. اما این که پس چرا از کافر زکات گرفته نمی‌شود؟ مرحوم کاشف الغطاء آورده‌اند: که حق این است که سیره پیامبر اسلام و ائمه(ع) این بود که زکات را مطالبه نمی‌کردند و این در هیچ وقتی اتفاق نیافتاد. لذا از کافرذمی در صورت امکان بنابر احوط زکات گرفته می‌شود.

۱. الطباطبائی حکیم، السید محسن، مستمسک عروه الوثقی، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۴، مسأله ۱۶، ص ۲۶.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، جلد ۲، القول فی من تجب علیه الزکاة، سادسها، مسأله ۱۰.

۳. الطباطبائی حکیم، السید محسن، مستمسک عروه الوثقی (محشی)، سادسها، مسأله ۱۶.

۴. (۱۹۲) - الطباطبایی الیزدی - السید محمد کاظم (۱۴۲۴ هـ ق) - العروه الوثقی (محشی) - مؤسسه النشر الاسلامی - ج ۴ - حاشیه (مسأله ۱۷).

### خلاصه و نتیجه

مشهور فقهای شیعه زکات را در نه چیز منحصر می‌دانند در مقابل قول غیرمشهور قرار دارد که قائل به انحصار نیست. مانند یونس ابن‌عبدالرحمان که وجوب زکات در نه مورد مربوط به آغاز نبوت می‌داند و قول ابن‌جنید که در عسل و روغن و تمام زمین‌های عشریه واجب می‌داند و صدوقین که زکات مال التجاره را اضافه کرده‌اند. افزون بر این که با چالش خروج برخی اقلام زکوی مهم نه گانه به خاطر تغییر شرایط مواجهیم. زیرا، بنابر مشهور که قائل به انحصار است و با توجه به شرایط فقهی تعلق زکات، نقدین (پول طلا و نقره) به دلیل تغییر ماهیت به‌طور کل از اصل زکوی بودن خارج شده است و انعام سائمه ثلاثه‌ای که دارای شرایط خاص و عام زکات باشد در جوامع امروزی به جهت شرایط خاص زندگی مردم به ندرت یافت می‌شود، اکثراً معلوفه است. کشت دیمی غلات اربعه هم در تمام نقاط دنیا معمول نیست. بلکه به خاطر نبود شرایط آب و هوایی لازم، زمین‌های زراعی غلات اربعه الآن بیش‌تر به نحو کشت آبی برداشت می‌شوند که طبیعتاً زکات آن یک بیستم می‌باشد. از این رو و با توجه به آن که اقلام باقی مانده به هیچ وجه کفاف رفع فقر را نمی‌کند لازم است در شرایط فقهی و چگونگی برگشت این اقلام بحث جدی شود. بر اساس مبانی فقهی و موضوع شناسی تحلیلی ماهیت پول و با بهره‌گیری از اصل استصحاب می‌توان نشان داد، حکم وجوب زکات نقدین به پولهای اعتباری کاغذی و الکترونیکی کنونی براساس موضوع شناسی تحلیلی نظریه مال اعتباری در ماهیت پول و با استصحاب آن حکم قابل تسری است. یکی از شرایط تعلق زکات به احشام سائمه بودن است. وصف سائمه بودن شرطی است که به دلیل اجماع فقهای شیعه و نیز به دلیل نصوص فراوان در این زمینه، و مضافاً اینکه احدی دیده نشد که سائمه بودن را شرط نداند، نمی‌توان به طریقی از وصف سائمه بودن دست برداشت. در مورد کفار مشهور در بین قدماء و متأخرین امامیه و همین‌طور معاصرین این است که آنها مکلف به فروغند همان طور که به اصول مکلفند. بنابر این، امام و نائیش می‌توانند زکات را به اجبار از کافر بگیرند. و اگر کافر زکات را تلف کند ضامن است پس امام یا نائیش می‌تواند عوض آن را از او دریافت کند.

## فهرست منابع

- ابن‌ادریس، محمدبن ادريس الحلبي، (۱۴۱۰ / هـ.ق)، السرائر، في سلسلة الينابيع الفقهيه موسوعه فقه الشيعه، الدار الاسلاميه، بيروت.
- ابن‌زهره، حمزه، (۱۴۱۰ / هـ.ق)، غنيه النزوع، في سلسلة الينابيع الفقهيه موسوعه فقه الشيعه، الدار السلاميه، بيروت.
- بهجت، الشيخ محمدتقي (دت)، توضيح المسائل (عربي)، شفق، قم.
- توسلي، محمداسماعيل، (۱۳۹۴)، امکان سنجی فقهی احیای زکات پول‌های نقد رایج کنونی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه مالیات، شماره ۷۴، تابستان ۹۴، صص ۴۹\_۲۷
- توضیح المسائل مراجع، مطابق با فتاوی دوازده نفر از مراجع معظم تقلید، سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، دفتر انتشارات اسلامی، سال ۱۳۸۰، قم
- جعفری، محمدتقی، (بی‌تا)، رسائل فقهی، مؤسسه منشورات کرامت، تهران.
- الحر العاملی، محمدبن حسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشيعه، (۱۳۹۱ ق)، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- الحلی، حسن‌بن مطهر اسدی، (۱۴۱۳ / هـ.ق)، مختلف الشيعه في احكام الشريعه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
- الخمینی، روح‌الله الموسوی (دت)، تحریر الوسيله، انتشارات اسلامی، قم.
- الخویی، سیدابوالقاسم، (۱۴۱۳ ق)، الزکاة، العلمیه، قم.
- سیستانی، سید علی، رساله توضیح المسائل مراجع (مطابق با فتاوی دوازده مرجع) (۱۳۸۰ هـ.ش)، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- الشهید الثاني، زين‌الدين الجبعي العاملی (۱۴۱۰ ق)، الروضة البهيّة في شرح اللمعة الدشقيه، داوری، قم.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۷ هـ ق)، الدروس الشرعيه في فقه الاماميه، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

الصدوق، ابی‌جعفر محمدبن بابویه، (١٤١٠ / هـ.ق)، المقنع فی الفقه، فی سلسلهٔ الینابیع الفقهیه موسوعهٔ فقه الشیعیه، الدار الاسلامیه، بیروت.

الطباطبائی الیزدی، السید محمدکاظم، (١٤٢٤ / هـ.ق)، العروه الوثقی (محشی)، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.

الطباطبائی حکیم، سیدمحسن، (١٣٩٠ هـ)، مستمسک عروه الوثقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

الطوسی، ابن‌جعفر محمدبن حسن، (بی‌تا)، الاستبصار، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

الطوسی، ابی‌جعفر محمدبن حسن، المبسوط، فی سلسلهٔ الینابیع الفقهیه موسوعهٔ فقه الشیعیه، الدار السلامیه، بیروت.

الطوسی، ابی‌جعفر محمدبن حسن، النهایه، (١٤١٠ / هـ.ق)، فی سلسلهٔ الینابیع الفقهیه موسوعهٔ فقه الشیعیه، الدار الاسلامیه، بیروت.

العاملی، سید محمدجواد الحسینی، مفتاح الکرامه، (١٤١٠ / هـ.ق)، فی سلسلهٔ الینابیع الفقهیه موسوعهٔ فقه الشیعیه، الدار الاسلامیه، بیروت.

قائنی، محمد (١٣٨٥)، زکات پولهای رایج و اشیای نوپیدا، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم.

قرشی، سید علی‌اکبر، (١٤١٢ / هـ.ق)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

کلینی، ابی‌جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق، (بهار / ١٣٦٧)، الفروع من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

المرتضی، علم‌الهدی، ابی‌القاسم علی ابن‌الحسینی، الموسوی، الانتصار، فی سلسلهٔ الینابیع الفقهیه، موسوعهٔ فقه الشیعیه، (١٤١٠ / هـ)، دارالتراث، بیروت.

مروارید، علی اصغر (١٤١٠ ق، ١٩٩٠ م)، سلسلهٔ الینابیع الفقهیه، دارالتراث، دارالاسلامیه، بیروت

مغنیه، محمدجواد، (١٤٢١ / هـ.ق)، فقه الامام الصادق (ع)، مؤسسه انصاریان، قم.

المفید، ابی‌عبدالله محمدبن نعمان الحارثی، المقنعه فی الاصول و الفروع، فی سلسلهٔ الینابیع الفقهیه، موسوعهٔ فقه الشیعیه، (١٤١٠ / هـ)، دارالتراث، بیروت.



---

منتظری، حسینعلی، (۱۴۰۴ ق)، کتاب الزکاء، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم.  
میلانی، سید محمدهادی، (۱۳۹۵ / هـ ق)، محاضرات فی فقه الامامیه، مؤسسه چاپ و  
نشر دانشگاه فردوسی مشهد.  
النجفی، محمدحسن بن باقر، (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء  
التراث العربی، بیروت.  
الهمدانی، آقارضا بن محمدهادی، (۱۴۱۶ / هـ ق)، مصباح الفقهیه، مؤسسه نشر الاسلامی،  
قم.